

روش‌شناسی عمومی نظریه‌پردازی

دکتر حسن دانایی فرد*

چکیده

نظریه‌های متعددی در باب چگونگی نظریه‌پردازی ارایه شده‌اند. روش‌شناسی دوبین اولین روش‌شناسی منسجم در این حوزه محسوب می‌شود. نظریه‌پردازی به عنوان تخیل نظاممند اثر کارل وایک، روش عمومی نظریه‌پردازی لین‌هام، چرخه‌ی نظریه‌پردازی کارلایل و کریستنسن و مدل نظریه‌پردازی ون دی ون از جمله‌ی آثار دیگر در حوزه‌ی نظریه‌پردازی هستند. عشق به روش در این روش‌شناسی‌ها، جدای از نظریه‌ی کارل وایک، نظریه‌پردازی را در چنبره‌ی محدودیت‌های سخت اثبات پژوهشی قرار داده است. ترس از تولید نظریه، در رشته‌ی مدیریت، حاصل این محدودیت‌هاست. چگونه می‌توان با رعایت دغدغه‌های روش‌شناسانه در این حوزه اظهار نظر کرد؛ مؤلف با نقده روش‌شناسی‌های موجود در زمینه‌ی نظریه‌پردازی، نوعی روش‌شناسی عمومی نظریه‌پردازی ارایه داده است که مدعی است می‌تواند جسارت نظریه‌پردازی را در افراد ارتقا دهد. این روش‌شناسی از برخی عناصر روش‌شناسی‌های قبلی استفاده کرده؛ اما کلیتی متفاوت از آنها ارایه می‌دهد. پس از ارایه چارچوب روش‌شناسی، نمونه‌هایی از نظریه و گونه‌شناسی‌های تدوینی بر اساس این روش‌شناسی مطرح خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: تئوری‌پردازی، نابهنجاری علمی، تخیل نظاممند، تئوری غیر منتظره، تئوری غنی، ابطال‌پذیری

مقدمه

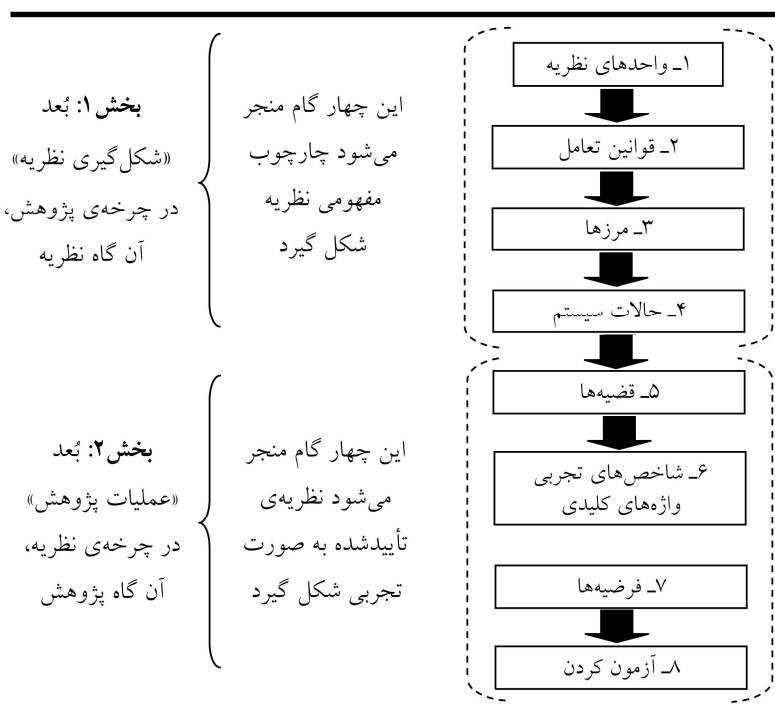
نظریه‌پردازان، تجربه‌ی نظریه‌پردازی خود را در قالب انواعی از روش‌شناسی‌ها ارایه می‌کنند؛ بنا بر این، طرح روش‌شناسی نظریه‌پرداز، در نگاه اول ممکن است بی‌ربط به نظر آید؛ ولی در سال‌های اخیر، حوزه‌ای با عنوان «پژوهش نظریه‌پردازی» شکل گرفته که تلاش می‌کند در باب روش‌شناسی‌های نظریه‌پردازی پژوهش کند.

با این توصیف، واژه‌های «نظریه» و «نظریه‌پردازی» برای بسیاری از دانشگاهیان، به نظر مبهم و بعضاً برای آنها جذابیت ندارد (هج، ۱۳۸۷). طرح روش‌شناسی‌ها و شیوه‌های آلوده به زبان فنی مبهم نوعی بدینی و بعضاً ترس، در دانشجویان و حتی استادان ایجاد کرده است. چنین برداشت شده است که نظریه قرق اندیشمندان خاصی است که حرفه‌ی اصلی آنها تولید دانش نظری است. مؤلف با مطالعه‌ی بسیاری از کتاب‌ها و مقاله‌هایی که در باب نظریه و نظریه‌پردازی در حوزه‌ی مدیریت، به طور خاص و در حوزه‌ی علوم اجتماعی، به طور عام نوشته شده‌اند، میتربرگ (۲۰۰۵) رویکرد کارل وایک (۱۹۸۹) را به نظریه نظریه‌پردازی عملی‌تر می‌داند؛ اما یک روش‌شناسی جامع و نظاممند را لازم می‌داند که ضمن سادگی و دوری از زبان فنی برخی از پژوهشگران نظریه‌پردازی، نوعی نظم در نظریه‌پردازی را نشان دهد و صرف اینکه گفته شود نظریه‌پردازی عملی ذهنی است را برنتابد؛ بلکه نحوه‌ی عمل ذهنی و جواب آن را تا حد ممکن نشان دهد. مؤلف با مطالعه‌ی روش‌شناسی‌های اصلی (دویین، ۱۹۷۸؛ وایک، ۱۹۸۹؛ لین‌هام، ۲۰۰۲، ون دی ون، ۲۰۰۷؛ کارلایل و کریستنسن، ۲۰۰۶) روش‌شناسی خود را که حاصل تجربه‌ی اوست، بر اساس بخش‌هایی از این روش‌شناسی‌ها ارایه کرده است. نویسنده در این زمینه ادعای جامعیت ندارد؛ ولی مدعی است این روش‌شناسی می‌تواند جسارت نظریه‌پردازی را حتی در دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری ارتقا دهد.

مروری بر روش‌شناسی‌های نظریه‌پردازی

دویین (۱۹۷۸) با انتشار کتاب نظریه‌پردازی نوعی روش‌شناسی مطرح کرد که گرچه صبغه‌ی کمی دارد و در پارادایم اثبات‌گرایی است، مورد توجه صاحب‌نظران مختلف

قرار گرفت و چندین پایان‌نامه‌ی دکتری بر اساس آن تنظیم و ارایه شد. این مدل از دو بخش اصلی و هفت مرحله تشکیل شده که در شکل ۱ می‌بینید. دو بین مدعی است ابتدا، باید واحدهای یک نظریه، به نحوی دقیق، تنظیم و سپس قوانین تعاملی بین واحدها مشخص، و در نهایت، مرزها و حالات سیستم تعیین شود. اگر این مراحل چهارگانه انجام شود، نظریه‌پرداز به چارچوب مفهومی نظریه‌ی خود رسیده است. در بخش دوم باید، با شمارش قضایا، شاخص‌های تجربی و تعیین فرضیه‌ها، کلیت نظریه را آزمود.

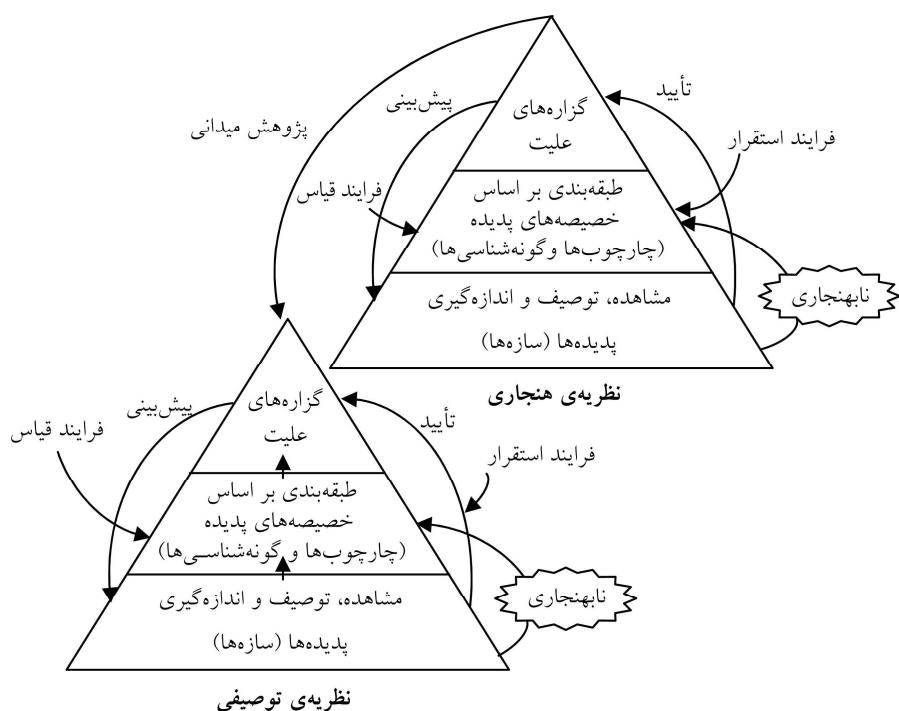


شکل ۱: روش‌شناسی نظریه‌پردازی هشت مرحله‌ای دوین

منبع: لین‌هام، ۲۰۰۶، ص ۷۵

کارلایل و کریستنسن (۲۰۰۶) نوعی روش‌شناسی برای نظریه‌پردازی در رشته مدیریت ارایه داده‌اند که این سه مرحله‌ی اصلی را طی می‌کند: ۱. مشاهده ۲. طبقه‌بندی

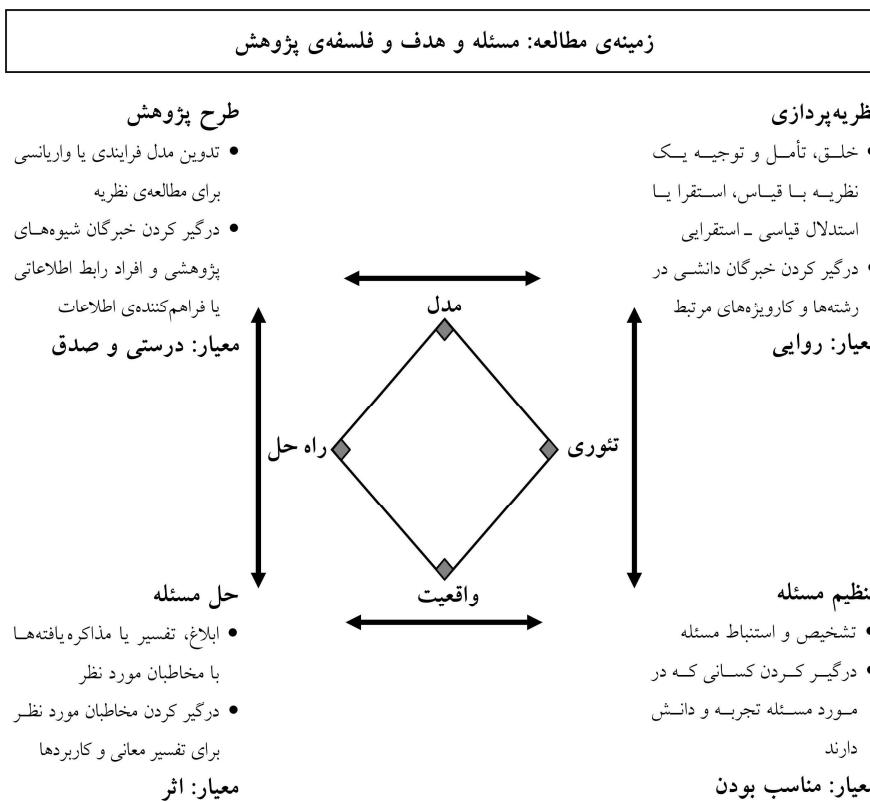
۲. تعیین روابط؛ ضمن آنکه نظریه‌ی حاصل را به دو دسته‌ی توصیفی و هنجاری تقسیم‌بندی می‌کنند (شکل ۲).



شکل ۲: تبدیل نظریه‌ی توصیفی به نظریه‌ی هنجاری

منبع: کارلابل و کریستنسن، ۲۰۰۶، ص ۱۳

ون دی ون (۲۰۰۷) بنا به دغدغه‌ی خود در مورد شکاف بین نظریه و عمل، مدل دانش پژوهی تعاملی طرفینی را مطرح می‌کند. به نظر او، برای تدوین نظریه باید این چهار مرحله را طی کرد: ۱. شکل‌دهی مسئله؛ ۲. نظریه‌سازی؛ ۳. طراحی و اجرای پژوهش؛ ۴. حل مسئله (شکل ۳).

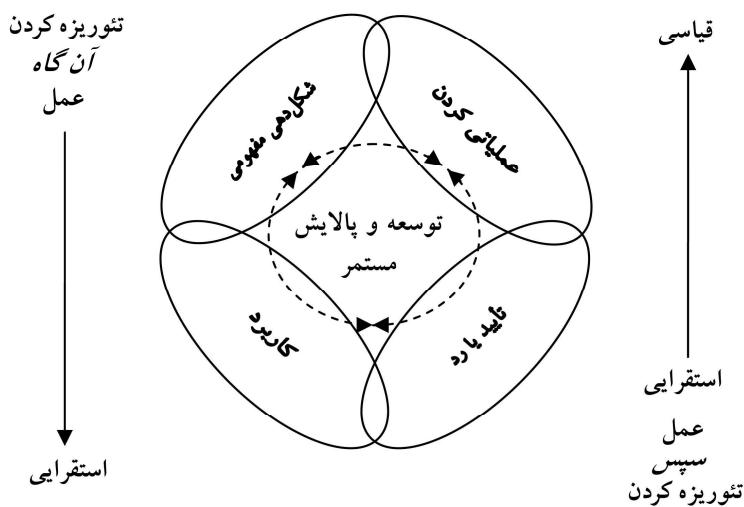


شكل ۳: مدل جامع دانش پژوهی تعاملی طرفینی ون دی ون

منبع: ون دی ون، ۲۰۰۷، ص ۲۲

لين هام (۲۰۰۲) نيز نوعی روش‌شناسی با عنوان روش‌شناسی عمومی نظریه‌پردازی ارایه داده که همه‌ی پژوهش‌های کمی و کیفی را در خود جای داده است. اين روش‌شناسی از پنج مرحله تشکيل شده است: ۱. شکل‌دهی مفهومی؛ ۲. عملیاتی‌سازی؛ ۳. به کارگیری؛ ۴. تأیید یا رد؛ ۵. پالایش و توسعه‌ی مستمر نظریه (شکل ۴).

محیطی که در آن زندگی می‌کنیم، جهان را مشاهده و تجربه می‌کنیم



شکل ۴: شیوه‌ی عمومی پژوهش نظریه‌پردازی در رشته‌های کاربردی

منبع: لین‌هام (۲۰۰۶، ص ۲۳۱)

وایک (۱۹۸۹) روش‌شناسی نظریه‌پردازی خود را با عنوان «ساخت نظریه به عنوان تحلیل نظاممند» مطرح کرده و مدعی است ساخت نظریه از سه مرحله تشکیل می‌شود: ۱. بیانیه‌ی مسئله؛ ۲. اندیشیدن خطأ و آزمایش‌گونه؛ ۳. انتخاب. به نظر وی، نظریه‌پرداز در دنیای بازنمایی‌هاست. او برای تفهیم این مطلب به استعاره رادار کشته اشاره می‌کند که کشته‌بان از روی صفحه‌ی رادار کشته موضع حرکت کشته را به صورت تصویرهای خاص می‌بینید و رادار، با داشتن مرکز اندیشیدن مکانیکی و با اتکا به معیارهای تشخیص موضع واقعی، مسیر صحیح حرکت رو به جلوی کشته را تعیین می‌کند (این عمل در صفحه‌ی رادار خاص هواپیما نیز رخ می‌دهد؛ اما چرا کشته‌ها به کشته‌های دیگر یا صخره‌ها و هواپیماها به هواپیماهای دیگر برخورد می‌کنند؟ زیرا آنچه بر صفحه‌ی رادارها حک می‌شود، بازنمایی از واقعیت است؛ نه خود واقعیت. مؤلف با الهام از رویکرد خاص وایک مدعی است که روش‌شناسی‌های نظریه‌پردازی پیشین، نظریه‌پرداز را در تنگناهای روش‌شناختی قرار داده، تحلیل

نظام‌مند را برنمی‌تابانند و نمی‌توانند فعل و انفعالات بین متغیرها را جدای از برقراری روابط آماری تعیین کنند. زبان فنی واقعی و ظاهری آن روش‌شناسی‌ها نظریه‌پرداز را دچار نوعی ترس از نظریه‌پردازی می‌کند؛ ضمن آنکه اگر خود را در دام آن روش‌شناسی‌ها قرار دهد، از شناخت و تعیین بسیاری از پدیده‌ها که به قاموس این مراحل نمی‌آیند، محروم خواهد شد؛ همچنین به نظر مؤلف، اگرچه دیدگاه وایک (۱۹۸۹) می‌تواند برخی از نواقص مدل‌های قبلی نظریه‌پردازی را برطرف کند، زبان او قادری فنی است و باید عملیاتی شود؛ بنا بر این، مؤلف تلاش می‌کند در مدل خود، قدری به این مهم برسد.

به نظر مؤلف، نگاه میتزربرگ (۲۰۰۵) – که مدعی است نظریه یک طیف است – مناسب است؛ بنا بر این، در یکی از دو سر انتهایی این طیف ممکن است یک گونه‌شناسی (برای مثال: گونه‌شناسی سازمان‌های دولتی - خصوصی) باشد و در سر دیگر آن، یک نظریه‌ی کلان^۱ که گستره‌ی بزرگی را از عالم تعیین می‌کند (برای مثال: نظریه‌ی تعامل‌گرایی نمادین)؛ برا این اساس، مؤلف نظریه را چنین تعریف می‌کند: «نظریه یک یا چند گزاره‌ی فرضیه‌ای است که رفتار یک پدیده را موقتاً بازنمایی، توصیف، تحلیل و تبیین می‌کند».

بنا بر این می‌توان با کمک مدل جدید نظریه‌پردازی مؤلف هم گونه‌شناسی ساخت و هم نظریه‌های کلان را تدوین کرد؛ ضمن آنکه به نظر مؤلف، بنا به دیدگاه لیندبلوم (۱۹۸۷) نباید خلاقیت، تخیل و ایده‌پردازی را صرف روایی^۲ کرد. اگر نظریه‌پردازی را در محدوده‌ی روایی یا اعتبار‌سنجی محدود کنیم، از شناخت بسیاری از مسائل که فهم آنها را نمی‌توان در قالب یک نظریه‌ی کمی دارای فرضیه‌های اثبات‌پذیر درآورد، محروم خواهیم ماند. اینکه اگر یک نظریه نگاه دیگران را جلب می‌کند، در آنها باور ایجاد می‌کند که رفتار پدیده‌ای را به نحوی مناسب توصیف، تبیین و تحلیل می‌کند، ولی نمی‌توان آن را در یک پرسشنامه جا داد تا آلفای کربنباخ آن محاسبه و پس از توزیع، اعتبار آن نظریه را تأیید کرد، نظریه بودن آن نظریه محدودش نمی‌شود.

1. grand theory
2. validity

چیستی نظریه

تقریباً به تعداد افرادی که در باب نظریه سخن گفته‌اند، از نظریه تعریف وجود دارد؛ برای مثال ری نولدر^۱ (۱۹۷۱، ص ۳) نظریه را مجموعه‌ای از قوانین، تعاریف، اگزیوم‌ها و قضایا و مجموعه‌ای از توصیف‌ها از فرایندهای علی می‌داند. دوین (۱۹۸۷) نظریه را مجموعه‌ای از روابط علی بین پدیده‌ها (متغیرها) می‌داند. جویا و پیتر^۲ (۱۹۹۰، ص ۵۸۷) نظریه را توصیف، تبیین و بازنمایی یک پدیده‌ی مشاهده‌شده یا تجربه‌شده می‌دانند و صاحب‌نظران دیگر (برای مثال: ر.ک. بابی، ۱۹۸۹؛ بارنارد، ۲۰۰۰؛ بور، ۱۹۷۳؛ جینفس، ۱۹۷۳؛ کوهن، ۱۹۸۰؛ لویس بک، ۲۰۰۴؛ فریدمن، ۲۰۰۳) تعاریفی مشابه ارایه داده‌اند. پدرسن^۳ (۲۰۰۷) مدعی است یکی از دلایل وجود ابهام در مورد نظریه، متعدد بودن تعاریف نظریه است؛ از این رو، در مقاله‌ی خود تلاش کرده اجرای اصلی نظریه را بشمارد. او تعاریف مختلف را بررسی و با تحلیل محتوا، چهار عنصر تعریفی نظریه یعنی ساختار منطقی، کارویژه‌ها، عناصر و رابطه‌ی نظریه با پژوهش را تعیین کرده است. کول کوایت^۴ (۲۰۰۷) نیز در مقاله‌ای، روندهای تدوین نظریه و آزمون نظریه را بین سال‌های ۱۹۶۳-۲۰۰۷ را آکادمی فصلنامه‌ی مدیریت^۵ را بررسی کرده است که مفید به نظر می‌آید.

بنا بر این، تعریف بسیار زیادی از واژه‌ی «نظریه» وجود دارد. مؤلف نگاه میتزبرگ (۲۰۰۵) را به نظریه مفید می‌داند. میتزبرگ (۲۰۰۵) مدعی است: «من به تعریف نظریه نمی‌اندیشم؛ ولی مدام آن را می‌سازم. از نگاه من، نظریه یک طیف است که می‌تواند توصیف‌ها، تبیین‌ها و تحلیل‌های مختلف را با درجات مختلف در خود جای دهد». به گفته‌ی وی، کتاب پنج الگوی کارساز مملو از نظریه‌هایی است که وی تلاش کرده چنان ساخته و پرداخته کند که خواننده آن را راهنمای عمل مفیدی بداند. به زعم وی، گونه‌شناسی وی از انواع ساختار (ماشینی، ادھوکراسی و...) نوعی نظریه ساختار است؛ ولی وی آن را با تخیل نظام‌مند خود ساخته است؛ از این رو اذعان می‌دارد این کتاب (پنج الگوی کارساز) شش صد صفحه‌ای را با حک و اصلاح فراوان به سیصد صفحه کاهش داده است. با پذیرفتن این نگاه، مؤلف نظریه را چنین تعریف می‌کند:

1. Reynolds

2. Gioia & Pitre

3. Pedersen

4. Cloquity

5. academy of management journal

نظریه یک یا چند گزاره‌ی فرضیه‌ای است که موقتاً، رفتار یک پدیده را بازنمایی، توصیف، تحلیل و تبیین می‌کند.

این تعریف نظریه را همیشه فرضیه‌ای می‌داند؛ زیرا ابطال‌پذیر است و تازمانی می‌ماند که نظریه‌ی دیگری نیامده است. حقیقت‌گویی در علم بسی معناست؛ از این‌رو، پوپر بر یک اصل اساسی تأکید می‌کند و آن چشم‌پوشی از ادعای حقیقت‌گویی علم است (رفیع پور، ۱۳۸۱، ص۶۸)؛ بنا بر این نظر مؤلف این است که نظریه همیشه فرضیه است. نکته‌ی دوم آنکه نظریه بازنمایی از پدیده است؛ نه عین پدیده. توصیف و تبیین نظریه، موقتی است. نکته‌ی سوم آنکه این تعریف، نظریه‌های حاصل از پژوهش‌های کمی و کیفی و ترکیبی را برنمی‌تابد. همه‌ی نظریه سفت خاص اثبات‌گراها را دربردارد و هم حالتی نرم دارد که از گونه‌شناسی‌هایی عادی تا چارچوب‌های و نظریه‌های کلان را دربرمی‌گیرد. به گفته‌ی ایستربای و همکارانش (۲۰۰۲) پیشرفت‌های علمی بزرگ حاصل کاربرد شیوه‌ی علمی دقیق منطقی و عقلایی نیست. مؤلف با این تعریف روش‌شناسی نظریه‌پردازی خود را ارایه داده است؛ بنا بر این نظریه‌های کلان، نظریه‌های دامنه‌ی متوسط (بورژئ، ۱۳۷۹) و نظریه‌های اصیل یا جوهری را می‌توان با اتکا به این تعریف تعریف و در قالب روش‌شناسی حاضر تدوین کرد. مراحل این روش‌شناسی، در ادامه شرح داده می‌شوند.

۱. شناخت موضوع بحث‌انگیز یا تشخیص نابهنجاری

بیشتر پژوهشگران کمی و کیفی پژوهش نظریه‌پردازی (برای مثال: دوین، ۱۹۷۸؛ هیرن، ۱۹۵۸؛ فریز، ۱۹۸۰؛ بلاکوک، ۱۹۶۹؛ کوهن، ۱۹۸۹؛ لین هام، ۲۰۰۲؛ ون دی ون، ۲۰۰۷؛ وتن، ۱۹۸۹؛ آیزنهارت، ۱۹۸۹) نقطه‌ی آغازین نظریه‌پردازی را تشخیص یک مسئله قرار داده‌اند؛ حتی کارل وایک (۱۹۸۹) که مدعی است نظریه‌سازی نوعی تخیل نظاممند است، نخستین عنصر و مرحله‌ی نظریه‌سازی را «بیانیه‌های مسئله» ذکر می‌کند. گرچه نقطه‌ی آغازین ممکن است تکمیل پازل یک داستان (پولانی، ۱۹۸۹)، سؤال (ترنر، ۱۹۸۷)، مواد پژوهشی استراتژیک (مرتون ۱۹۸۷) یا نابهنجاری علمی (شانک ۱۹۸۸) باشد، به نظر مؤلف، مرحله‌ی نخست نظریه‌پردازی را می‌توان تشخیص موضوع بحث‌انگیز (که می‌تواند تکمیل پازل یک داستان، سؤال، مواد پژوهشی استراتژیک) یا

نابهنجاری قرار داد. بسته به اینکه پژوهش نظریه محور^۱ یا مسئله محور^۲ نقطه‌ی آغازین نظریه پردازی تشخیص موضوع بحث‌انگیز است.

این دو محور همه‌ی نقاط آغازین روش‌شناسی‌های نظریه پردازی پژوهشگران نظریه را پوشش می‌دهد؛ زیرا موضوع بحث‌انگیز می‌تواند نظری یا عملی باشد و نابهنجاری نیز می‌تواند نظری یا عملی باشد. گرچه نابهنجاری علمی، در نگاه توماس کوهن (۱۳۸۳) صرفاً در حوزه‌ی نظری معنا دارد، نظر مؤلف این است که راه حل عملی یک مسئله اگر درگذر زمان نتواند کارآمدی خود را نشان دهد، دچار نوعی نابهنجاری شده است؛ بنا بر این، گام نخست در نظریه پردازی می‌تواند تشخیص موضوع بحث‌انگیز و نابهنجاری باشد؛ اما این شناخت به داشتن دانش در مورد پدیده‌ی مورد بررسی (پدیده‌ی عملی یا نظری) و روش‌شناسی‌ها و شیوه‌های نظریه پردازی بستگی دارد. نظریه پرداز با این دو ویژگی «خبره» است (لین‌هام ۲۰۰۲؛ توراکو ۲۰۰۵). بر این اساس، داشتن خبرگی (چه عملی و چه نظری) به حد و اندازه‌ی مناسب، شرط مهمی برای تدوین نظریه است. وقتی نظریه پرداز با خبرگی خود موضوع بحث‌انگیز یا نابهنجاری علمی یا عملی را تشخیص داد، برای معنابخشی به آن یا حل آن می‌اندیشد که کارل وایک (۱۹۸۹) آن را تخیل نظام‌مند نامیده است.

۲. دست زدن به تخیل نظام‌مند علمی

لیندلوم^۳ (۱۹۸۷) مدعی است نظریه‌های فعلی جزئی نگرنده؛ زیرا فرایند ساخت آنها در تنگناهای روش‌شناسانه گیر افتاده که «مفید بودن» را فدای روایی می‌کند. کارل ویک با اتکا به این گفته‌ی لیندلوم مدعی است که این تنگناها، عمل تئوریزه کردن را تضعیف می‌کنند؛ زیرا نقش تخیل، بازنمایی^۴ و انتخاب راهکارهای تئوریزه‌شده را کم‌زنگ کرده، به اهمیت فعالیت‌های مختلف تئوریزه کردن نظری ترسیم نقشه‌ی رفتار پدیده^۵، توسعه‌ی مفهومی^۶ و تفکر نظری^۷ چندان توجه نمی‌کند (وایک، ۱۹۸۹، ص ۵۱۶). مؤلف پیشنهاد وایک را گام دوم قرار داده، مدعی است که وقتی تخیل نظام‌مند مد نظر قرار می‌گیرد، باید صبغه‌ی علمی داشته باشد؛ به این معنا که فرایندی انتزاعی در خزانه‌ی ذهنی نظریه پرداز طی کند؛ ولی متصف به

1. theory driven research
3. Lindblom
5. mapping
7. speculative

2. problem driven research
4. representation
6. conceptual development

تخیل جزء به کل (استقرای)، کل به جزء (قیاس) و قیاسی - استقرایی باشد؛ یعنی وقتی فرد وارد خزانه‌ی تخیل می‌شود، برای معنابخشی یا ارائه‌ی نظریه‌ی اولیه‌ی تخیلی به استقرای، قیاس و فرایند استقرایی - قیاسی متولّ می‌شود. تجربه‌ی عملی وی به او کمک می‌کند تا با اتکا به موارد مشاهده‌کرده در عمل و یکپارچه کردن آن در یک واحد کل نتیجه‌گیری کند و همزمان با توصل به دانش موجود در باب پدیده، موارد مشاهده‌شده را معنا دهد. این دو فرایند، همزمان و مدام در ذهن نظریه‌پرداز صورت و به طور مستمر، بین آنها نوعی گفتمان درون‌ذهنی انجام می‌شود. این تخیل ممکن است در محل کار، منزل، مسافرت یا حتی استراحت، فرد نظریه‌پرداز را به خود مشغول کند. در این بازی ذهنی که به دور از تنگناهای روش‌شناسانه عمل می‌کند، نظریه‌پرداز نظریه‌ی خود را به صورت یک پازل مداوم می‌سازد و تخریب می‌کند، کم و زیاد می‌کند؛ حواشی به آن می‌افزاید یا از آن می‌زداید؛ ولی نظریه‌پرداز خیال‌پردازی نظاممند و در عین حال علمی می‌کند؛ از این‌رو، که وی در محدوده‌ی خبرگی تخصصی خود تخیل می‌کند. از بطن این بازی‌های ذهنی، نوعی نظریه‌ی خام غیرمنتظره بروز می‌کند؛ از این‌رو، کارل وایک آن را تفکر خطا و آزمایشی می‌داند.

۳. ظهور نظریه‌ی خام غیرمنتظره

وایک با اتکا به شناخت‌شناسی تکاملی^۱ که مدعی است هر پدیده سه مرحله‌ی تکامل شکل‌گیری^۲، انتخاب^۳ و حفظ و بقا^۴ را طی می‌کند، مرحله‌ی دوم نظریه‌پردازی خود را مرحله‌ی انتخاب معرفی می‌کند؛ ولی انتخاب مصنوعی^۵ که متفاوت از انتخاب طبیعی^۶ است. در انتخاب طبیعی، بر اساس نظریه‌ی تکامل داروین و در علم سازمان، بر اساس نظریه‌ی بوم - شناسی جمعیت سازمانی^۷ وقتی پدیده‌ای ظهور می‌کند، در صورت انطباق با محیط، انتخاب می‌شود و در نتیجه‌ی می‌یابد؛ در غیر این صورت، محیط آن را نابود می‌کند؛ زیرا به علت عدم انطباق آن پدیده با محیط، محیط از دادن منابع لازم به او اجتناب می‌کند. اما در انتخاب مصنوعی، هم پدیده‌ها و هم معیارهای انتخاب بازنمایی‌ها (یعنی نه پدیده‌های واقعی بلکه بازنمایی‌های آنها) هستند؛ بنا بر این، بازی تخیلی با بازنمایی‌ها صورت می‌گیرد و

1. evolutionary epistemology
3. selection
5. artificial selection
7. population ecology

2. variation
4. retention
6. natural selection

انتخاب بازنمایی‌های متناسب، با معیارهایی صورت می‌گیرد که به زعم وایک اگر رعایت شوند، نظریه‌ی حاصل می‌تواند کامل باشد. بر این اساس وایک می‌گوید نظریه‌ی حاصل باید «جالب»^۱ (وایک این معیار را از اثر دیویس (۱۹۷۱) با عنوان «آن جالب است»^۲ استنتاج کرده است)، باورکردنی و زیبا باشد. میتربرگ (۲۰۰۵) از واژه‌ی «شگفت‌آور»^۳ استفاده می‌کند و مدعی است نظریه، به صورت غیر متظره‌ای، از بطن تخیل نظاممند نظریه‌پرداز می‌آید و باید دیگران را شگفت‌زده و به عبارت دیگر، نگاههای دیگران را به خود جلب کند؛ دیگران باور کنند که پدیده‌ی تئوریزه شده آن طور که نظریه‌پرداز تئوریزه کرده، رفتار می‌کند؛ در عین حال، نوعی زیبایی در چیدمان، روابط و تعاملات نظریه به ذهن خواننده متبادر کند. اما وقتی نظریه‌ی غیرمتظره‌ی نظریه‌پرداز شکل گرفت، باید در معرض داوری قرار گیرد.

۴. داوری اولیه‌ی نظریه‌ی خام

نظریه در تخیل نظاممند شکل می‌گیرد؛ ولی ویژگی‌های مد نظر دوبین (۱۹۸۷) را نیز دارد. دوبین در مدل دو بخشی خود (بخش تدوین مفهومی و تجربی نظریه) مدعی است که هر نظریه از واحدهایی شکل گرفته که نوعی قوانین تعامل بر آنها حاکم است و مرزهای معینی داشته، با توجه به واحدها و نوع قوانین تعامل حالات سیستمی مختلفی می‌گیرد. قضایایی از حالات مختلف سیستم شمرده، بر اساس آنها، فرضیه‌ها تدوین و با توجه به معیارهای تجربی آزمون می‌شوند. به نظر مؤلف، در این مرحله، نظریه‌پرداز نظریه‌ی اولیه‌ی خود را در محافل علمی (برای مثال: کرسی‌های نظریه‌پردازی، کنفرانس‌های ملی و بین المللی و میزگردهای تخصصی) ارایه می‌دهد. بازخوردها و نقد و بررسی‌های نظریه به تدقيق واحدهای نظریه و قوانین تعامل حاکم بر آنها و همین طور حالات سیستم حاکم بر نظریه منجر می‌شود؛ اما همه‌ی نظریه‌ها به سبک اثبات‌گرایی، مرزهای دقیق نخواهند داشت؛ زیرا اگر چنین حالتی بگیرند، عنصر فلسفی خود را که مایه‌ی گسترش آنها خواهد بود، از دست خواهند داد. این مرحله، در عین حال، مرزهای نسبتاً مشخصی برای نظریه ایجاد و اعمال دیدگاهها و نقدوها و پیشنهادهای نظریه‌پرداز را وارد مرحله‌ی بعدی نظریه‌پردازی می‌کند.

1. interesting
2. that's interesting
3. surprising

۵. تدوین نظریه‌ی غنی

رهآورد طرح نظریه‌ی خام در محافل علمی، (از جلسات علمی دوستانه گرفته تا کلاس‌های درس دانشجویی و محافل منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی و کرسی‌های نظریه‌پردازی در ایران) یافتن خلاصه و ضعف‌هایی است که نظریه‌پرداز به کمک آنها می‌تواند نظریه‌ی خود را استحکام داده، نوعی نظریه‌ی غنی‌شده ارایه دهد. اکنون نظریه‌پرداز نظریه‌ی خود را در معرض آزمون قرار می‌دهد.

۶. آزمون

نظریه در دیدگاه مؤلف نوعی پیوستار است که در یک سرطیف آن ممکن است فهرستی از چند متغیر باشد - که رفتار یک پدیده را تا حدی نشان می‌دهند - تا یک نظریه‌ی کلان که رفتار یک پدیده‌ی گستره‌ی دامنه‌دار را تبیین می‌کند؛ از این رو، در این مرحله، برخی از نظریه‌ها لازم است از طریق ابزارهای مختلف، روی آزمودنی‌ها آزمون شود تا میزان اعتبار روابط و قوانین و همین طور حالات سیستم نظریه مشخص شود؛ به عبارت دیگر، شناسی بودن یا تخیلی بودن فعل و افعالات درونی نظریه زدوده شده، اعتبار کسب کند.

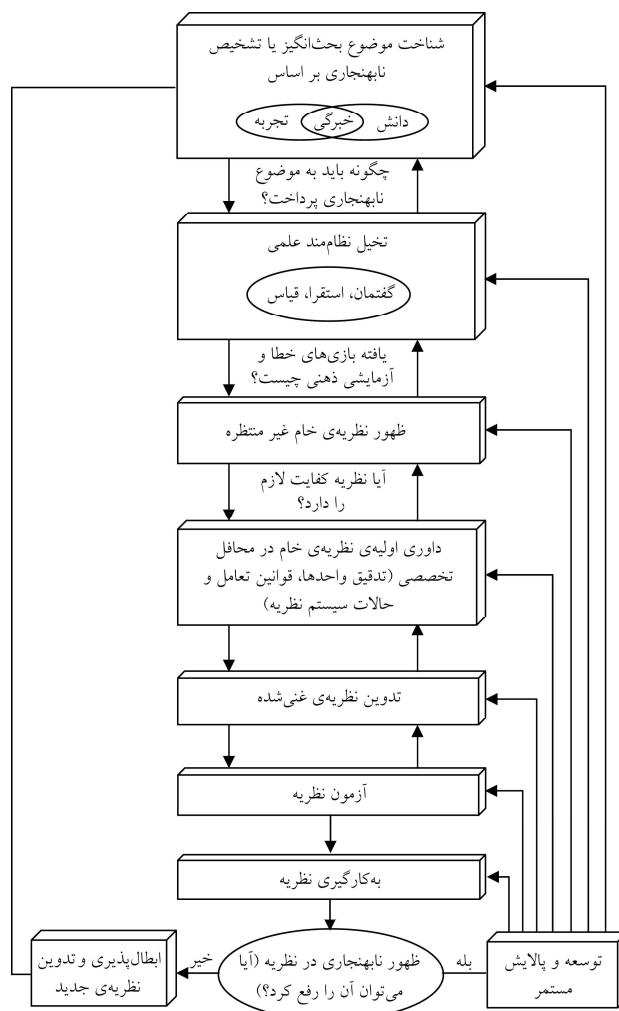
۷. به کارگیری نظریه

در مورد برخی نظریه‌ها وقتی در محافل علمی مطرح می‌شوند و خبرگان علمی و عملی نظریه را تأیید می‌کنند، یعنی نظریه در عمل به کار گرفته شده است؛ به عبارت دیگر، برخی نظریه‌ها (برای مثال نظریه‌ی انگیزش هرزبرگ) وقتی مرحله‌ی آزمون خود را طی کرد، مدیران دنیا از آن استفاده کردند و می‌کنند؛ اما نظریه‌ی گفت و گوی تمدن‌ها را نمی‌توان آزمود. محافل سیاسی - علمی دنیا این نظریه را پذیرفته و عملی بودن آن را باور دارند (گرچه ممکن است همگان چنین باوری نداشته باشند)؛ به سخن دیگر، برخی نظریه‌ها را وقتی دیگران می‌پذیرند که پدیده‌ی واقعی، در عالم، بر اساس آن عمل می‌کند عملی بودن آنها مسجّل می‌شود.

۸. بهبود نظریه

وقتی نظریه در عمل یا در محافل علمی پذیرفته شود، درگذر زمان ممکن است دچار نوعی نابهنجاری شود؛ به عبارت دیگر ممکن است در پدیده‌ی تئوریزه‌شده رفتاری بروز کند که نظریه‌ی موجود نتواند آن را تبیین کند. در این حالت، نظریه دچار نوعی کاستی در تبیین

می‌شود. برای مثال میتزبرگ با اشاره به نظریه‌ی پورتر مدعی است که در ابتدا، نظریه‌ی مزیت نسبی بر تجارت بین الملل حاکم بود؛ اما رفتار کشورهایی نظیر ژاپن و یاتالیا نوعی نابهنجاری در این نظریه ایجاد کرد و پورتر نظریه‌ی مزیت رقابتی را مطرح کرد (میتزبرگ، ۲۰۰۵). گاهی نابهنجاری قابل رفع است؛ در این صورت، نظریه‌پرداز با مراجعه به مراحل قبل به بهود نظریه‌ی خود می‌پردازد؛ اما گاهی، نظریه‌ی فعلی نمی‌تواند به هیچ طریقی رفتار پدیده را تبیین کند؛ پس ابطال می‌شود و دوباره، باید مراحل نظریه‌پردازی طی شود.



شکل ۵: روش جامع نظریه‌پردازی پیشنهادی مؤلف

ویژگی‌های بارز روش‌شناسی حاضر

● روش‌شناسی حاضر ضمن آنکه مراحل تدوین نظریه را به نحوی نظم می‌دهد که خواننده بداند چگونه کار نظریه‌پردازی را شروع کند و خاتمه دهد، از تنگناهای روش‌شناختی سایر روش‌شناسی‌ها به دور است و در عین حال، اصول سایر روش‌شناسی‌ها نیز در آن نقش ایفا می‌کنند. از طرف دیگر، این روش‌شناسی با زبانی ساده می‌تواند با بسیاری از خوانندگان متخصص در نظریه‌پردازی ارتباط برقرار کند؛ زیرا این روش‌شناسی هسته‌ای اصلی نظریه‌پردازی را در ذهن نظریه‌پرداز جای می‌دهد به خواننده می‌گوید که اندیشیدن تخیلی و نظاممند اصل نظریه‌پردازی است؛ نه رعایت صرف فنون آماری.

● ویژگی دیگر این روش‌شناسی غیر خطی بودن مراحل نظریه‌پردازی است. البته در این روش‌شناسی برای نظم دهی اولیه به ذهن خواننده مراحلی ترسیم شده است؛ ولی همه‌ی آنها در خزانه‌ای به نام ذهن صورت می‌گیرد. شناخت موضوع بحث‌انگیز یا تشخیص نابهنجاری با اتکا به قوه‌ی تفکر و تمرکز توجه وی به خلاً عملی یا نظری محقق می‌شود. پس از تشخیص موضوع یا نابهنجاری، حل آنها یا پر کردن خلاً، در تخیل نظاممندی صورت می‌گیرد که مدام، با مرحله‌ی نخست تشخیص موضوع یا نابهنجاری ارتباط دارد. این ارتباط در ذهن خواننده صورت می‌گیرد. وقتی نظریه‌ی خام غیر متظره ظهور کرد، پیوسته، با تعامل با مرحله‌ی قبل (تخیل نظاممند) حک و اصلاح می‌شود.

● بین مرحله‌ی داوری و ظهور نظریه‌ی خام غیر منتظره، از طریق سعی و خطا تعامل برقرار می‌شود. وقتی نظریه‌ی غنی شده شکل گرفت، ممکن است پیش از آزمون، در محافل مختلف، در خزینه‌ی ذهن نظریه‌پرداز حک و اصلاح شود. نظریه‌ی غنی شده را می‌توان آزمود یا اگر نظریه‌ی صبغه‌ی چارچوب گونه‌ی کلان یا نظریه‌ی کلان دارد، با طرح آن در محافل علمی و مدیریتی، توسط دانشمندان آزمون خود را پس می‌دهد و جنبه‌ی عملی می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، وقتی دیگران باور کردنده که پدیده‌ی تئوریزه‌شده آن طور که نظریه گفته، عمل می‌کند، یعنی نظریه در عمل اجرا شده است. اما این مرحله نیز با مرحله‌ی پیشین در تعامل است. وقتی نابهنجاری بروز کرد، اگر بتوان آن رفع کرد، نظریه توسعه یا پالایش می‌باید. برای توسعه و پالایش (با توجه به میزان نابهنجاری) می‌توان به هر کدام از مراحل پیش مراجعه کرد؛ بنا بر این، در

اصطلاح نابهنجاری‌ها ضرورتاً مراجعه به مرحله‌ی اول الزامی نیست. شاید اصلاح مراحل دیگری لازم باشد. اگر نابهنجاری به حدی است که نمی‌توان رفع کرد، نظریه ابطال می‌شود و نظریه‌پرداز باید دوباره، مسئله را شناسایی و مراحل را طی کند. به نظر مؤلف، همه‌ی آنچه در مراحل ذکر شده است، در ذهن نظریه‌پرداز رخ می‌دهد؛ از این رو، هسته‌ی نظریه‌پردازی تخیل نظام مند است.

- در ادبیات نظریه‌پردازی تقسیم‌بندی‌های مختلفی از نظریه‌ها شده است؛ برای مثال: نظریه‌های کلان، نظریه‌های دامنه‌ی متوسط و نظریه‌ی جوهری (اصیل). گاهی نظریه‌های کلان را معادل چارچوب‌های نظریه‌ک می‌نامند. از این منظر چارچوب‌ها ممکن است ساز و کاری تعریف شوند که با مشخص کردن طبقات متغیرهای کلان و ترسیم تناسب روابط عمومی^۱ (کلی) آنها، در یک ساختار منسجم، پژوهش‌ها را جهت دهنند. اشلاگر^۲ (۱۹۹۸، ص ۲) می‌گوید: «چارچوب‌ها پژوهش را سازماندهی می‌کنند؛ اما نمی‌توانند به خودی خود، رفتارها یا ره‌آوردها را تبیین یا پیش‌بینی کنند». با استفاده از این روش‌شناسی می‌توان چارچوب‌های این گونه‌ای نیز تدوین کرد.

مثال: نظریه‌ی جا به جایی مدیران دولتی

این نظریه، در دومین کنفرانس مدیریت، در سال ۱۳۸۵ ارایه شد. مؤلفان با روش‌شناسی حاضر، به تدوین آن پرداختند (برای تفصیل ر.ک. فصلنامه مدرس).

۱. تشخیص موضوع بحث‌انگیز و نابهنجاری

در باب تحول در مدیران دولتی (هم آنها که در سطح مدیریت سیاسی هستند و هم آنها که در سطح مدیریت اداره‌ی امور عمومی)، در کشورها، دو نظریه‌ی کلان؛ یکی، نظریه‌ی چرخش نخبگان است که بیشتر، در محافل اندیشمندان سیاسی و به طور خاص، در رشته‌ی علوم سیاسی مطرح است و دیگری، نظریه‌ی جامعه‌ی منشوری و مدل متناسب آن یعنی سالا مدل که در رشته‌ی مدیریت دولتی و به طور خاص، مدیریت دولتی تطبیقی به وسیله‌ی فردیگر مطرح شده است (فقیهی و دانایی فرد،

1. general
2. Schlager

۱۳۸۵). این دو نظریه چرخش مدیران دولت را (در سه سطح فراسیاست‌گذاری، مدیریت سیاسی و دولتی) توصیف و تبیین می‌کنند. نظریه‌ی چرخش نخبگان مدعی است در رقابت حزبی، حزب پیروز مدیریت دولت را به دست می‌گیرد. اعضای حزب شکست‌خورده مشاوران، مدیران و... حزب حاکم نمی‌شوند تا زمانی که دوباره، حزب آنها پیروز شود؛ بنا بر این، پست‌های مدیریت در دولت، به صورت چرخشی، به دست نخبگان سیاسی - مدیریتی آن کشور می‌افتد. کشورهایی که از این نظریه تبعیت می‌کنند، به اصطلاح، پیشرفته و دموکراتیک نامیده می‌شوند. در این کشورها، پست‌های مدیریتی دست به دست نمی‌شود؛ بلکه به صورت تخصصی، بین احزاب می‌چرخد.

نظریه‌ی منشوری فردیگر مدعی است که جوامع به دسته‌های مرکب، منشوری و بسیط یا تفکیک شده قابل تقسیم هستند. فردیگر ضمن بر Sherman و بیزگی‌های جامعه‌ی منشوری مدل مدیریتی - اداری آن را سالا مدل می‌داند. وی رویکرد اکولوژی مدیریت دولتی دارد. به نظر وی، محیط سیاسی - اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... مدیریت دولتی را شکل می‌دهد. گرچه از واژه‌ی «عامل» بین محیط و نظام اداری سخن می‌گوید، تمرکز آن بر اکولوژی است؛ از این رو، در کتاب اکولوژی مدیریت دولتی، از مدل‌های قبلی نظام‌های اداری، در کشورهای جهان سوم که محیط را مدنظر قرار نداده‌اند، نقد کرده است (همان).

به نظر مؤلف، رفتار نظام مدیریتی برخی از کشورهای جهان سوم را نه با نظریه‌ی چرخش نخبگان و نه با نظریه‌ی منشوری (سالا مدل) می‌توان تبیین کرد؛ بنا بر این، دو نظریه در تبیین رفتار نظام‌های مدیریتی کشورهای جهان سوم دچار نوعی نابهنجاری شده‌اند. این نابهنجاری نقطه‌ی آغازین نظریه‌ی جا به جایی مدیران دولتی بوده است؛ ضمن آنکه در عمل، بسیاری از اندیشمندان و حتی افراد عادی، در کشورهای مختلف جهان سوم مدعی اند پست‌های مدیریت دولتی، در این کشورها، دست به دست می‌شوند؛ یعنی عده‌ای خاص همیشه، در دولت پست‌های سیاسی و مدیریتی دارند. مؤلف این سوال را مطرح کرد که چگونه می‌توان رفتار این نظام‌های مدیریتی را تبیین کرد؟ برای پاسخ وارد مرحله‌ی دوم شده است.

۲. تخیل نظام‌مند علمی

مؤلف با شناخت نابهنجاری و موضوع بحث‌انگیز دست به دست شدن پست‌های مدیریت دولتی، در این کشورها، مدام دست به استقرا و قیاس زد تا این رفتار را فهمیدنی کند. احاطه‌ی نسبی مؤلف به نظریه‌های نظام‌های اداری، از یک طرف (دانش درباره‌ی موضوع و مقوله‌ی نظریه‌پرداز) و شناخت نسبی از کشورها (با مطالعه‌ی کشورها و مصاحبه با شهروندان این کشورها و بعضاً، مردم عادی آن کشورها) نوعی خبرگی نسبی برای معنابخشیدن به این رفتار داشته است. نظریه‌پرداز از استدلال استعاره‌ای برای معنابخشی به پدیده‌ی جا به جایی مدیران دولتی استفاده کرد و در تخیل نظام‌مند خود، استعاره‌ی «کبوتران حرم»^۱ را برای چنین رفتاری برگزید. در توجیه آن، نظر مؤلف این است که معمولاً، روی برخی از معابد یا مکان‌های متبرک کبوترانی نشسته‌اند که همیشه در آنجا زندگی و حتی زاد و ولد می‌کنند. اگر افرادی که به آن مکان‌ها مراجعه می‌کنند، به نحوی باعث شوند که کبوتران از جای خود بلند شوند، صرفاً به جا به جایی آنها کمک کرده‌اند؛ یعنی آنها در آسمان پرواز می‌کنند و مجدداً بر می‌گردند؛ اما جای نشستن آنها عوض می‌شود. اما تعدادی از کبوتران از جای خود بلند نمی‌شوند. تعدادی کبوتر، هیچ‌گاه برنمی‌گردند و تعدادی بنا به حادثه به گرد آنها می‌آیند و تعدادی هم ممکن است دقیقاً در جای اول خود بنشینند.^۲ رفتار مدیریت دولتی و سیاسی در این کشورها را می‌توان با این استعاره توصیف و تبیین کرد؛ بنا بر این، حاصل این مرحله‌ی نظریه جایی مدیران دولتی با استعاره‌ی مورد نظر بوده است.

۳. ظهور نظریه‌ی خام غیر منتظره

پس از تخیل نظام‌مند مستمر، بنیان‌های نظری، هسته‌ی نظریه، عناصر شکل‌دهنده و قوانین تعامل و حالات سیستم نظریه شکل می‌گیرد و مطابق نظر اندیشمندان این حوزه غیر منتظره و نسبتاً جالب به نظر می‌رسد.

-
۱. در نگاه کشورهای اسلامی، پست‌های مدیریتی، در بخش دولتی، امنیتی به مدیران دولتی و از این رو، بسیار مقدس است؛ بنا بر این، واژه‌ی «حرم» دال بر قداست پست‌های مدیریتی است که صرفاً، برای تبیین موضوع استفاده شده است.
 ۲. توجه کنید که نظریه ذاتاً، شر و خیر نیست؛ گرچه ممکن است عقیه‌ی سیاسی داشته باشد؛ بنا بر این، در اینجا نظریه نمی‌گوید دست به دست کردن پست‌ها ذاتاً بد یا خوب و بسته به موقعیت مساعد یا نامناسب است. در کشوری مثل ایران بنا به موقعیت می‌تواند مناسب تصور شود؛ زیرا عقل سیاسی، با توجه به زمان حاضر و موقعیت خاص کشور، وسوسات در تصدی پست‌ها را عقلاً نیت در حکومت‌داری می‌داند.

۴. داوری اولیه‌ی نظریه‌ی خام

این نظریه در محافل علمی دوستانه، کلاس‌های درس کارشناسی ارشد و دکتری و در نهایت، در کرسی نظریه‌پردازی، در دانشکده‌ی مدیریت دانشگاه تهران مطرح شد. بازخوردهای این جلسه‌ها باعث شد که عناصر نظریه دقیق‌تر مشخص شوند و مؤلف وارد مرحله‌ی بعدی شود.

۵. آزمون و کارگیری نظریه

آزمون این نظریه با کاربرد آن همپوشانی دارد. کسانی که این نظریه را می‌شنوند، صحت آن را در کشورهای جهان سوم تأیید می‌کنند و خوانندگان با زبان عادی می‌گویند «دقیقاً همین طور است»؛ این جمله یعنی تأیید آن نظریه. گرچه می‌توان پرسش‌نامه‌ای تدوین و در بین افرادی توزیع کرد و نظرات آنها را جویا شد. از نظر مؤلف، خبرگان همان شرکت‌کنندگان در محافل علمی و خوانندگان فصلنامه‌های علمی - پژوهشی هستند که این نظریه را حسن می‌کنند؛ نه تنها در ایران، بلکه در بسیاری از کشورهای جهان سوم.

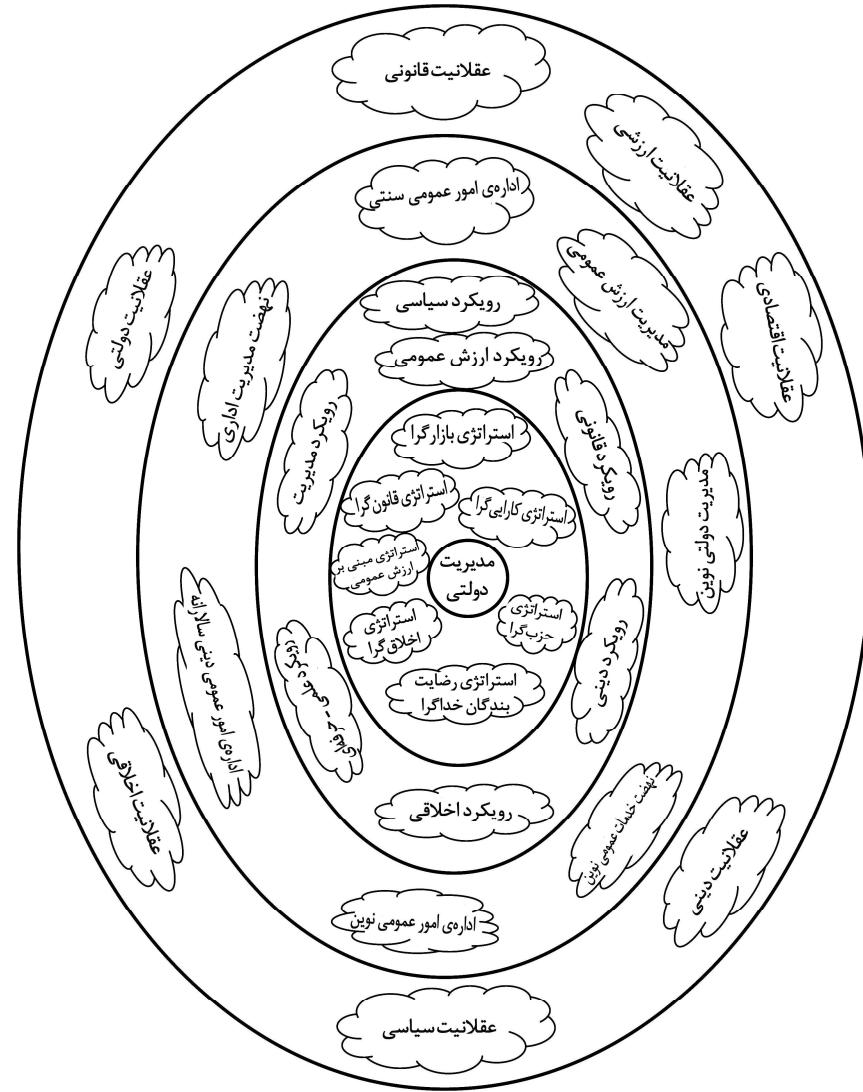
۶. بهبود نظریه

بهبود مستمر و پالایش مستمر نظریه یا ابطال‌پذیری آن به انتقادات علمی اندیشمندان و صاحب‌نظران کشور بستگی دارد. مؤلف در تدوین این نظریه، در تعامل بین مراحل، درگیری‌های ذهنی مستمری را دنبال کرده است. این نظریه به خوانندگان می‌گوید نظام‌های مدیریتی - سیاسی برخی از کشورهای جهان سوم چگونه رفتار می‌کنند و قدرت تبیینی دارد. به خواننده می‌گوید چون پست‌های مدیریتی - سیاسی دست به دست می‌شوند، در نظام‌های فرعی جامعه نظیر اداری - مدیریتی، اجتماعی - فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، قضائیه و انتخاب مدیران چه اتفاقاتی می‌افتد. نظر مؤلف بر خلاف فردیگز این است که مدیریت دولتی اکولوژی را شکل می‌دهد؛ نه اکولوژی مدیریت دولتی را. به نظر مؤلف، گرچه بین آن دو تعامل هست، تأثیرگذاری مدیریت دولتی بر محیط بیشتر است. مدیران نظام سیاسی، محیط‌های سیاسی

(دموکرات، محافظه‌کار، چپ، راست و...)، اقتصادی (دولتی، آزاد و...) و غیره را شکل می‌دهند. ویژگی‌های اصلی این نظریه‌ی کلان آن است که به علت داشتن نوعی عنصر فلسفی توسعه‌پذیر است؛ برای مثال خط مشی‌گذاری، در کشورهایی که از این نظریه (جایه‌جایی مدیران دولتی) تبعیت می‌کنند، چگونه است؟ رفاقت احزاب سیاسی، در این کشورها، چگونه بر مدیریت سیاسی و دولتی تأثیر می‌گذارد؟ منفعت عامه، در این نظام‌ها، چگونه تعیین می‌شود؟

مثال ۲: نظریه‌ی کولاژ عقلانیت و استراتژی در بخش دولتی

در این نظریه، مؤلف رابطه‌ی تعاملی «عقلانیت و استراتژی» را در بخش دولتی تصوریزه کرده است. شکل ۶ هسته‌ی نظریه را نشان می‌دهد (ر.ک. دانایی فرد، ۱۳۷۸). این نظریه بین انواع دولت‌ها، عقلانیت‌ها در خطمشی‌های عمومی، نهضت‌های مدیریتی در بخش دولتی، رویکردهای مدیریتی در بخش دولتی و استراتژی‌ها نوعی پیوند برقرار کرده است. خوانندگان آشنا با اصطلاح «تبیین» تبیین را صرفاً، به صورت رابطه‌ی بین متغیرها نمی‌پنداشند. این نظریه به خواننده می‌گوید مدیر دولتی کولاژی دارد که در آن، اگر دولت، دولت حرفه - علمی است، عقلانیت آن حرفه‌ای - علمی است و نهضت آن مدیریت دولتی نوین و رویکرد آن حرفه‌ای، و استراتژی آن بازارگرایی است؛ بنا بر این، گرچه به زعم برخی، نوعی گونه‌شناسی به نظر می‌رسد، اگر عمیقاً به آن توجه شود، قدرت تبیینی و کترلی در آن نهفته است.



شکل ۶: کولاز «استراتژی - عقلانیت» در بخش دولتی

مثال ۳: پیاز فرایند پژوهش

در این گونه‌شناسی، مؤلف دنیای پژوهش را در قالب شکلی به مثابه‌ی پیازی که از وسط نصف شده، ترسیم کرده است. در این پیاز، بین فلسفه‌ها، رویکردها، استراتژی‌ها، اهداف و شیوه‌های گردآوری داده‌ها نوعی ارتباط منطقی برقرار کرده است (شکل ۷).



شکل ۷: پیاز فرایند پژوهش

نتیجه‌گیری

پایان‌نامه‌های دکتری و کارشناسی ارشد رشته‌های مدیریت با گیر افاده در چنبره‌ی آمار و ارقام، به شدت بر نوآوری، تخیل و ایده‌پردازی دانشجویان تأثیر می‌گذارند. تکراری شدن پایان‌نامه‌ها، تأکید صرف بر پیوند دادن متغیرها (که در جای خود، اگر به نحوی دقیق انجام شود، مانند سایر روش‌های پژوهش می‌تواند مفید باشد)، و دسترسی نداشتن استادان به پایان‌نامه‌های دانشگاه‌های کشور، تقویت روحیه مدرک‌گرایی و... بر نوآوری، تخیل نظاممند و ایده‌پردازی تأثیر گذاشته است. کمتر پذیرفته می‌شود که دانشجو، به جای توسل به آمار صرف، ایده‌ای نظاممند از یک پدیده‌ی سازمانی - مدیریتی را در پایان‌نامه ارایه دهد و کمیته‌ی تخصصی دانشکده‌های مدیریت آن را

بپذیرند. برخورد روش‌شناسانه‌ی محض آن هم از نوع اثبات‌گرایی نمی‌تواند به شکل‌گیری نظریه بینجامد. ارایه‌ی یک نظریه‌ی کاملاً هنجاری به سبک کارلایل و کریستنسن (۲۰۰۶) که به مدیر دقیقاً بگوید در چه موقعیتی، چه کاری و چگونه بکنند، در عصر ساخت‌گرایی چندان مورد اقبال قرار نخواهد گرفت. باید به دانشجو اجازه داد نظریه‌ی خلاقانه خود را به صورت روایتی و نه صرف نمایش آمار و ارقام ارایه دهد. به نظر مؤلف، روش‌شناسی پیشنهاد شده در این مقاله به دانشجویان کمک خواهد کرد که با توصل به تخیل نظاممند علمی، انواع گونه‌شناسی‌ها، چارچوب‌ها و نظریه‌ها را خلق کنند. این روش‌شناسی هم نظریه‌های کلان و هم پیوند دو متغیر (برای مثال اعتماد سازمانی با نوآوری مدیریتی) را می‌تواند توجیه کند. نظریه‌ی اعتماد عمومی که مؤلف، با استفاده از استراتژی پیمایش تحلیلی و همبستگی انجام داده است نیز با این روش‌شناسی قابل توجیه است. نظریه‌ی حاصل از این روش‌شناسی باید دارای خردمندی‌ی لازم بوده، نظریه‌پرداز باید خبرگی لازم را داشته باشد تا تعاملات عناصر درون نظریه‌ی خود را توجیه کند؛ بنا بر این هر سخن بی‌سامان و بدون عقبه‌ی محکم و توجیه عقلایی - منطقی نمی‌تواند نظریه‌ی تلقی شود. انواع ساختارهای سازمانی میتربرگ یک نظریه است؛ ولی عقبه‌ی منطقی دارند که خواننده را به باور کردن آن ترغیب می‌کند. گونه‌شناسی عمومی - خصوصی نیز یک نظریه است؛ اما توجیه دارد؛ زیرا به خواننده می‌گوید چه چیزی سازمان عمومی و چه چیزی سازمان خصوصی است. بنا بر این نمی‌توان به هر سخنی عنوان نظریه داد. بی‌تردید، این روش‌شناسی مراحل تکامل خود را طی می‌کند و نویسنده معتقد نیست این چارچوب نهایی و کامل است.

منابع

- دانایی فرد، حسن. اعتماد عمومی به سازمان‌های دولتی: طراحی مدلی برای تقویت اعتماد عمومی به مدیریت دولتی ایران. پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۲.
- رفیع پور، فرامرز. کنداوکارها و پنداشته‌ها. تهران، شرکت سهامی انتشارات، ۱۳۸۱.
- فقیهی، ابوالحسن و حسن دانایی فرد. بوروکراسی و توسعه: رویکردی تطبیقی - تاریخی. تهران، مؤسسه‌ی خدماتی فرهنگی رسا، ۱۳۸۵.
- کون، توماس. ساختار انقلابهای علمی. ترجمه‌ی عباس طاهری، تهران، نشر قصه، ۱۳۸۳.
- هچ، ماری جو. تئوری سازمان: مدرن، نمادین - تفسیری، پست مدرن. ترجمه‌ی حسن دانایی فرد، تهران، نشر افکار، ۱۳۷۸.
- Babbie, E. *The practice of social research*, 5th ed, Belmont, CA, Wadsworth, 1989.
- Barnard, A. *History and theory in anthropology*, Cambridge, UK, Cambridge University Press, 2000.
- Blalock, H.M. *Theory construction*, Englewood Cliffs, NJ, Prentice Hall, 1969.
- Bourgeois, III, L.J. "Toward a method of middle-range theorizing", *Academy of Management Review*, 1979, 4(3), p.443- 447.
- Burr, W. R. Theory construction and the sociology of the family, New York, John Wiley, 1973.
- Chafetz, J.S. A Primer on the construction and testing of theories in sociology, Itasca, IL, F.E. Peacock, 1978.
- Cohen, B. P. *Developing Sociological Knowledge: theory and method*, Englewood cliffs, NJ, Prentice Hall, 1980.
- _____. *Developing Sociological knowledge: Theory and method*, Thousand Oaks, CA, sage, 1991.
- Colquitt, Jason, A. "Trends in theory building and theory testing: A five-decade study of the academy of management journal", *Academy of Management Journal*, 2007, 50(6), p.1281-1303.

- Eisenhardt, K.M. "Building theories from case study research", *Academy of Management Review*, 1990, 14, p.532-550.
- Freese, L. "Formal theorizing", *Annual Review of Sociology*, 1980, 6, p.187-212.
- Friedman, K. "Theory Construction in design research: Criteria, approaches, and methods", *Design studies*, 2003, 24(6), p.507-522.
- Hearn, G. *Theory building in social work*. Toronto, Canada, university of Toronto Press, 1958.
- Lewis-Beck, M.S. *The Sage encyclopedia of social science research methods*, Thousand Oaks, CA, Sage, 2004.
- Lindblom, C.A. "Alternatives to validity: some thoughts suggested by campbell's guidelines", *Knowledge: Creation, Diffusion, Utilization*, 1987, 8, p.509-520.
- Lynham, Susan. "The general method of theory-building research in applied discipline", *Advances in Developing Human Resources*, 2002, 4(3).
- Merton, R.K. "Three fragments from a sociologist's notebooks", *Annual Review of Sociology*, 1987, 13, p.1-28.
- Pedersen, Elaine L. "Theory is everywhere: A discourse on theory", *Clothing and Textiles Research Journal*, 2007, 25(106), p.106-128.
- Reynolds, P.D. *A primer in theory construction*, New York, Macmillan, 1971.
- Rolayi, L. *telling the American story*. Cambridge, MA, MIT, 1989.
- Schank, R. *The creative attitude*, New York, MaCmilan, 1988.
- Schlager, E. "A compatison of frameworks, theories and models of the prolicy processes", *A paper preseted to the public policy colloquium, spring 1998, department of political science, university of Arizona*, 1998.
- Torraco, Richard J. "Theory development research method", Richard A. Swanson; Elwood F. Holton III (eds). *Research in organizations*, San Francisco, Berrett-Koehler Publishers, inc, 2005, P.351-375.
- Turner (eds.), *Social thoery today* , Stanford, CA, Stanford University Press, p. 156-194.

Turner, J.H. *Analytical theorizing*. In A. Giddens & J.H., 1987.

Van de Ven, A. The engaged Scholarship: A guide for organizational and social research. London, Oxford. 2007.

Weick, Karl E. "Theory construction as disciplined imagination", *The Academy of Management Review*, 1989, 14(4).